

شماره ۱۷۰۷۵/۹۲۲۲۱  
تاریخ ۲۸/۷/۹۵  
ریاست

جمهوری اسلامی ایران  
ریاست جمهوری

معاون حقوقی رئیس جمهور

باسمه تعالی  
الحمد لله رب العالمین محمد و آل محمد

جناب آقای تقوی نژاد  
رئیس کل محترم سازمان امور مالیاتی کشور

باسلام و احترام؛

عطف به نامه شماره ۲۰۰/۱۱۶۲۲ مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۹ در خصوص استعلام از شمول عبارت «شکر» در بند «۴» ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده به «شکر خام» اعلام می‌گردد؛  
نظر به اینکه «شکر» در بند «۳» ماده (۱۲) به طور مطلق ذکر شده و مقید به نوع خاصی از شکر نشده است کما اینکه «نان» نیز علی‌الاصلاح مورد حکم قرار گرفته و مقید به نان خاصی نشده است.  
بنابراین شکر خام نیز که از انواع شکر است مشمول حکم بند «۳» ماده (۱۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.  
مؤید مطلب در مواردیکه قانون گذار نظر به مقید کردن اعلام منتج در بند «۴» ماده (۱۲) به نوع خاصی نامیده است آن را مقید ذکر کرده است که از آن جمله مقید کردن «آرد» به «خیازی»  
ضمناً توجه جنابعالی را به وحدت ملاک تفسیر شماره ۷۶/۲۹/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان (امریه پیوست است) معطوف می‌گردد.

محمد انصاری

| تایید می‌گردد | تایید نمی‌گردد | تایید نهایی |
|---------------|----------------|-------------|
|               |                |             |

روفرستاد:

اداره کل امور مالیات

پایبستگی نظرات حقوقی - ۱۷۰۷۵/۵

پایبستگی

شماره ۲۵۶/۲۲/۲۸  
۱۵۵۵۵  
شماره سریال



نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد اصل ۹۳ قانون اساسی

استعلام شماره: ۷۸۱۰۸ مورخ ۱۳۳۲/۱۲/۲۲ ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

شورای محترم نگهبان

همان گونه که عنایت داورند مطابق اصل (۹۳) قانون اساسی، توفیق حادی در مورد ابهام و اجمال جاسر می شود. مع هذا نظر به اینکه اصولاً در اکثر قریب به تمامی موارد بین وضع قانون و تفسیر آن فاصله زمانی وجود دارد و در این مدت با اجرای قانون اصلی، برای اشخاص حقوقی ایجاد می شود و دو بسیاری از فوائد نیز این حقوق به غیر منتقل و یا به ثروت می رسد مضافاً این که اجرای قوانین مزبور در مورد مسئولیت مستلزم ارجاع امر به قوانین دیگر نیز هست (کهما اینکه هزینه اعتبار طرحی که موضوع قانون بوده است در بسیاری از موارد ملازمه یا پرداخت حقوق کثرت را به عهده اجناس دارد و این نیز بر اساس قوانین کار و مدنی، حقوقی را برای طرف ایجاد می کند) و در نتیجه بر حسب قوانین مرتبط با یکدیگر و در پی اجرای آنها ایجاد می های زیادی در امور مردم بوجود می آید.

با توجه به این پیچیدگی ها منگمی که تفسیر مؤخر تمام می باشد این مؤلف مطرح می شود که مطابق اصول کلی آیا تفسیر قانون به لحاظ آثار و نتایج مترتب بر آن تا چند حد باید و می تواند عطف به گذشته شود و حقوق ایجاد شده را متنی نماید و یا کدام دسته از حقوق و آثار را می تواند نادیده بگیرد؟

به عنوان مثال به موجب قانونی که تحت عنوان اعاده به خدمت کارکنان بازنشسته دولت در سال ۱۳۲۹ به تصویب مجلس رسید دولت اجازه یافت تعدادی از بازنشستگان را اعاده به خدمت نماید.

در سال ۱۳۳۶ نیز قانون تعدیل نیروی انسانی تصویب شد و دو آن دولت اجازه یافت افراد بازنشسته را به صورت بوقت به خدمت بگیرد. او آن پس دولت به دو صورت زیر عمل کرده است:

الف- اعاده به خدمت تعدادی از بازنشستگان متعصب به فساد قانون مصوب سال ۱۳۳۱.

ب- تصویب اشتغال بوقت برخی از بازنشستگان به استناد ماده ۸ قانون تعدیل نیروی انسانی مصوب ۱۳۳۶.

قابل ذکر است که مصوبات اعاده به خدمت دولت در فاصله می ماه ۱۳۳۶ تا فروردین ۱۳۳۷ که بالغ بر ۲۶ تشریفنامه و نافر به تعداد ۱۳۰ نفر است نیز مورد امراء ریاست محترم جمهوری وقت به استناد اصل ۱۱۶ و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به استناد اصل ۱۲۸ قرار نگرفته است.

در سال ۱۳۳۷ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تفسیر ماده ۸ قانون تعدیل نیروی انسانی مفروض داشت:

«بمدرعیت اشتغال به کار بازنشستگان موضوع ماده ۸ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی شامل اعاده به خدمت بازنشستگان نیز می گردد».

اکنون اگر قانون تفسیر فوق الذکر (مصوب ۱۳۳۷) در این قضیه عطف به ماسبق گردد و شامل افرادی هم بشود که در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ اعاده به خدمت شده و مسئولیت های مختلفی را ایفا کرده اند و تعدادی از آنها تصدیقات مهم مالی و انباری فراوانی گرفته اند. عواید می شود حقوق ایشان و حقوق دیگر اشخاص و حق کلیه امری که بر اساس تصدیقات ایشان مستحق شده است (از جمله جعایلات و حقوقی که با تجهیز آنان صورت گرفته است) مثل اشکال قرار گیرد زیرا در قانون تفسیر، مفروضه است که افراد مزبور مستحق اشتغال داشته اند و عطف القاعده بر امر مستحق آنکار امر مجالی ایجاب مترتب شود.

نکته به این نکته پیوست که با توجه به تواحد و همزمانی جبرق ادوی امور و حقوق مزبور بر اساس فهم صحیحی از قانون مفاکیم جو زمان خود ایجاد شده است به ویژه آن که تفسیر علی الاصول در مواردی صورت می گیرد که قانون مشتمل بر چند متنی است و اختلاف هر یک از آنها قبل از تفسیر مرجع ذی صلاح. نظیر با قانون اساسی نمی باشد و مستطون که در بالا یادآوری شد در موضوع نظر و ریاست محترم جمهوری وقت و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نیز اطلاع بغایت بصورت را با قانون اعلام نداشتند.

شماره ۱۱۵۸۳ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷ شورای نگهبان

با عنایت به آنچه گذشت عوامت میباید با توجه به اصول (۷۲ و ۹۸) قانون اساسی نظریه تفسیری شورای نگهبان را در مورد اینکه آیا با قوانین تفسیری می توان حقوق و شرایطی را که طبق قوانین اولیه برای اشخاص ایجاد شده است خصوصاً در موارد زیر به طور یک جانبه زائل نموده اعلام فرماید:

۱. هنگامی که قانون تفسیری جدید مورد شمول قانون اصلی را نوسازی می دهد به نحوی که برای افراد در زمان مقدم بر تصویب تکالیفی ایجاد می نماید.

۲. ایجاد یا تنصیح حقوق استثنائی که در زمان گذشته برای افراد ایجاد شده است.

۳. تأثیر در عقود و معاملات گذشته و سایر تصدیقاتی که برای اشخاص غیر دولتی حقوق ایجاد کرده است.

۴. تسری مستقیم یا غیر مستقیم مقررات جزایی به فعل یا ترک فعلی که در گذشته انجام شده است.

نظریه تفسیری شماره ۱۱۵۸۳ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷ شورای نگهبان

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام، نامه شماره ۷۸۱۰۸ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۲ در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می گردد:

۱- مقصود از تفسیر بیان مزاد حقن است بنابراین تطبیق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست تفسیر تلقی نمی شود.

۲- تفسیر از زمان بیان مزاد حقن در کلیه موارد لازم الاجراست بنابراین دومیاری که مربوط به گذشته است و مجریان بدانند دیگری از قانون داشته اند و آن را به مرحله اجرا گذاشته اند تفسیر قانون به موارد مذکور تسری نمی یابد.